



منطق ماشین دودی به نقل از کتاب شهید مطهری

یکی از دوستان ما که مرد نکته سنجی است، يك تعبير بسیار لطيف داشت که : « منطق ماشین دودی ». می گفتیم منطق ماشین دودی چیست؟ می گفت من يك درسی را از قدیم آموخته ام و جامعه را روی منطق ماشین دودی می شناسم.

وقتی بچه بودم، منزلمان در حضرت عبدالعظیم بود و آن وقتها قطار راه آهن به صورت امروز نبود و فقط همین قطار تهران- شاه عبدالعظیم بود. من می دیدم که قطار وقتی در ایستگاه بود، بچه ها دورش جمع می شوند و آن را تماشا می کنند و به زبان حال می گویند: « بین چه موجود عجیبی است! » معلوم بود که يك احترام و عظمتی برای آن قائل هستند. تا قطار ایستاده بود، با يك نظر تعظیم و تکریم و احترام و اعجاب به او نگاه می کردند تا کم کم ساعت حرکت قطار می رسید و قطار راه می رفت. همین که راه می افتاد، بچه ها می دویدند، سنگ برمی داشتند و قطار را مورد حمله قرار می دادند. من تعجب می کردم که اگر به این قطار باید سنگ زد، چرا وقتی که ایستاده يك ریگ کوچک هم به آن نمی زنند و اگر باید برایش اعجاب قائل بود، اعجاب بیشتر در وقتی است که حرکت می کند. این معما برایم بود تا وقتی که بزرگ

...

دیدم : این قانون کلی برخی جوامع است که هر کسی و هر چیزی تا وقتی که ساکن است تا ساکت است، مورد تعظیم و تجلیل است. اما همین که به راه افتاد و يك قدم برداشت، نه تنها کسی کمکش نمی کند طرف او پرتاب می شود و این نشانه يك جامعه مرده است. ولی يك جامعه زنده فقط برای کسانی احترام قائل است که متکلم هستند نه ساکت؛ متحرکند نه ساکن؛ باخبرترند نه بی خبرتر.

